

مسائل فراروی رقابت پذیری صنعت فولاد

فریبا رهبر

(کارشناس ارشد اقتصاد، معاونت امور اقتصادی)

فولاد از جمله صنایعی است که برحسب جریان مواد اولیه، ایجاد درآمد و اشتغال دارای ارتباطات پسین و پیشین بسیار قوی است، به طوری که کلیه اقتصادهای صنعتی مهم با وجود یک صنعت فولاد قدرتمند شناخته می‌شوند و حتی رشد بسیاری از کشورهای توسعه یافته فعلی در مراحل اولیه توسعه تا حد وسیعی به قدرت صنایع فولادشان وابسته بوده است. در حال حاضر ظرفیت تولید فولاد جهانی بیش از ۹۵۰ میلیون تن است که حدود ۱۳۷ میلیون تن آن غیراقتصادی است و با توجه به رکود تقاضا حدود ۸۹ درصد ظرفیت تولید مورد بهره برداری قرار می‌گیرد. با توجه به تفاوت بارز کشورها از نظر دسترسی به مواد اولیه، انرژی، بازار مصرف، نیروی انسانی و فن‌آوری به کار رفته در تولید، قیمت تمام شده فولاد در هر کشور تفاوت آشکاری با هم دارد. به طوری که قیمت تمام شده اروپا و آمریکا به ازای هر تن فولاد ۲۵۰ دلار است. این رقم برای محصولات پایه‌ای فولاد نظیر اسلب در کشورهای تازه استقلال یافته (CIS) بین ۱۰۰ الی ۱۲۰ دلار؛ در چین، کره جنوبی، و برزیل ۱۵۰ الی ۱۷۰ دلار و در ایران بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ دلار است. همین موضوع همراه با عواملی نظیر مرحله گذار کشورهای پیشرفته از تولید و صدور کالاهای صنعتی به تولید و صدور خدمات و اطلاعات، و بازدارنده‌های شدید زیست محیطی برای کشورهای پیشرفته موجب تغییر کانون تولید فولاد از این کشورها به کشورهای در حال توسعه شده است. این روند فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را فراروی صنایع کشورهای در حال توسعه و از جمله ما قرار می‌دهد. از یک سو محدودیت تدریجی تولید و کاهش صادرات کشورهای توسعه یافته به منزله ایجاد فرصت‌های جدید برای حضور این کشورها در بازار جهانی است و از سوی دیگر با تجدید ساختار و اصلاح این صنایع در کشورهای توسعه یافته و همچنین رقابت به وجود آمده میان کشورهای در حال توسعه (از طریق ادغام‌ها و بهینه سازی خطوط تولید و همچنین افزایش بهره‌وری نیروی کار و کاهش مصرف انرژی) درجه رقابت در این صنعت شدت گرفته است. صنعت فولاد چه در اوایل دهه ۱۹۹۰ که به رکودی عمیق فرو رفت و چه از ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۰ که با خروج اقتصاد جهانی از رکود، مصرف جهانی (به‌رغم بحران ۱۹۹۷ کشورهای آسیای جنوب شرقی)

رو به فزونی گرفت، با دو پدیده مهم مواجه بود. اول این که همواره طی این سالیان، سطح مصرف جهانی از سطح تولید آن پایین‌تر بوده و دوم آن‌که با فروپاشی کشور شوروی و ظهور کشورهای موسوم به CIS، سیل محصولات فولادی ارزان جهان را فراگرفت.

چنانچه بپذیریم به‌رغم فزونی تولید بر مصرف جهانی، در مورد کشورهای همچون ایران که در آغاز مسیر صنعتی شدن و توسعه یافتگی قرار دارند، با افزایش رشد مصرف نسبت به تولید، گزینه گسترش تولید به منظور رفع نیاز بازار رو به رشد داخلی گزینه قابل تأملی است، اما نمی‌توان نسبت به این سؤال مهم "تولید داخلی با چه قیمتی" بی تفاوت ماند. در این شرایط این سؤال که آیا اولویت دادن به این صنایع و سرمایه‌گذاری در جهت بسط و گسترش واحدهای جدید مقرون به صرفه است یا پی‌گرفتن سایر گزینه‌های سرمایه‌گذاری و تأمین نیاز به فولاد از طریق واردات، اهمیت می‌یابد.

در کشور ما به‌رغم این‌که سابقه تولید فولاد به بیش از ۴۰ سال پیش باز می‌گردد، به این علت که ایجاد و گسترش صنعت فولاد از ابتدا مبتنی بر راهبرد تأمین نیازهای توسعه صنعتی کشور و لزوم جایگزینی واردات صورت گرفت، کانون توجه بخش خصوصی به سمت صنایع مصرفی سوق یافت و دولت به‌عنوان متولی این صنعت از ابتدایی‌ترین حلقه تولید فولاد یعنی اکتشاف و استخراج مواد اولیه تا توزیع، صادرات و گاهی قیمت‌گذاری آن را تحت کنترل و نظارت خود قرار داد؛ در آن زمان فولاد از جمله صنایعی به‌شمار می‌رفت که از ویژگی‌هایی نظیر دارابودن بالاترین حلقه‌های اتصال به صنایع پایین دستی؛ اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم قابل توجه؛ ضرورت سرمایه‌گذاری وسیع؛ بازگشت سرمایه طولانی و وابستگی به بخش‌های بالا دستی نظیر معادن سنگ آهن و ذغال سنگ، سوخت، انرژی و حمل و نقل برخوردار بود. پس از انقلاب نیز صنعت فولاد مطابق با قوانین و مقررات کشور در انحصار دولت قرار گرفت و در این ساختار به فعالیت خود ادامه داد.

ورود محتاطانه بخش خصوصی به صنعت فولاد که از اواسط برنامه دوم توسعه و به دنبال تحول نگرش مدیریت سطوح بالا و میانی جامعه در محدوده وظایف دولت ایجاد شد، از دو زاویه قابل طرح است: الف) واگذاری واحدهای موجود بخش دولتی به بخش خصوصی و ب) احداث واحدهای جدید توسط این بخش. در واگذاری واحدهای فعلی می‌توان از وجود موانعی نظیر نیروی انسانی مازاد در این واحدها، بدهی‌های فراوان ارزی، وجود الزامات خاصی که در حال حاضر بر این واحدها حاکم است و وجود برخی موانع نظیر بوروکراسی عریض و طویل موجود در این واحدها و ساختارهای به جا مانده از مالکیت دولتی نام برد. در ارتباط با احداث واحدهای جدید نیز علاوه بر مشکلات کلی حاکم بر مجموعه نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور که هر یک به‌عنوان موانع جدی بر سرمایه‌گذاری بخش

فولادخام تا مرز ۱۴/۷ میلیون تن با پیش بینی استفاده بهینه از نهاده‌های تولید نظیر نیروی کار و مدیریت کارا، ابتدا در ۱۳۷۴ در قالب ارائه طرح‌های چهارگانه توسعه (بعدها به طرح‌های پنج‌گانه تبدیل شد) و در ۱۳۷۶ به شکل طرح‌های متوازن تدوین و تصویب شود. پیش از آن و از ۱۳۷۱ نیز به منظور خوداتکایی بیشتر صنعت فولاد و تأمین هزینه‌های مورد نیاز این صنعت از طریق کسب ارز خارجی، صادرات محصولات فولادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای استراتژیک این صنعت در نظر گرفته شد. اما مجموعه شرایط جهانی و داخلی بحران‌زا در کنار مشکلات مزمن در ساختار صنعت کشور، موجب دست نیافتن به هر دو هدف، راه‌اندازی به موقع طرح‌های توسعه و صادرات فولاد شد. این ناموفق بودن ناشی از عوامل زیر است:

۱. بیشتر طرح‌های گسترش واحدهای صنعتی از جمله احداث واحدهای فولادسازی و نیز انتخاب محل احداث واحدها در مناطق مختلف کشور به‌جای آن که بر پایه ملاحظات اقتصادی باشد، براساس سلیقه‌های شخصی صورت گرفته است.

۲. با وجود افزایش تولید از ۱/۱ میلیون تن در ۱۳۶۸ به حدود هفت میلیون تن در ۱۳۸۰ و کاهش ارزبری این صنعت از ۱۸۷ به ۳۶ تن بر دلار، مقایسه تولید سرانه فولاد داخلی (۲۳۷ تن) نسبت به متوسط تولید سرانه کشورهای مهم تولیدکننده فولاد (بیش از ۴۰۰ تن) نشان می‌دهد که تا کنون در جهت رقابتی‌کردن صنعت فولاد و کاهش قیمت‌های تمام شده کمتر از رویکرد استفاده بهینه از امکانات موجود استفاده شده و بیشتر تلاش‌ها معطوف به صرف سرمایه‌گذاری‌های زیاد در طرح‌های توسعه شده است.

۳. افزایش غیرمتعارف واردات محصولات فولادی طی سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ که تقریباً معادل ۷۰ درصد تولید داخلی بود، موجب کاهش تقاضا برای خرید محصولات داخلی (که بیشتر به‌صورت پیش فروش صورت می‌گرفت) شد و از این طریق کاهش شدید نقدینگی شرکت‌های تولیدکننده فولاد و انباشت کالا در انبارها را به دنبال داشت. در نتیجه آن فشار مضاعف به تولیدکنندگانی وارد شد که به‌منظور تکمیل طرح‌های توسعه نیاز به منابع مالی داشتند. این فشار تا جایی پیش رفت که شرکت‌های مهم فولادسازی داخلی از جمله فولاد مبارکه و ذوب آهن اصفهان مبادرت به ارائه تخفیف قیمتی کرده و طی سال‌های ۸۰ - ۱۳۷۹ سه بار متوالی قیمت‌های محصولات خود را نسبت به نرخ‌های مصوب کاهش دادند. عواملی نظیر نبود درآمد از طریق فروش محصولات در بازار داخلی و به تعویق افتادن تأمین منابع ریالی، تغییر شرایط بازار جهانی صنعت فولاد و در نتیجه تحقق نیافتن درآمدهای صادراتی پیش‌بینی شده به‌منظور تأمین منابع دلاری طرح‌های توسعه و در نهایت بوروکراسی موجود در دستگاه‌های دولتی، همگی شرایطی را فراهم کردند که شرکت‌های تولیدکننده فولاد قادر به بازپرداخت وام‌های خارجی سررسید شده خود نباشند.

خصوصی محسوب می‌شود، نیاز به سرمایه وسیع، بازگشت سرمایه طولانی و فن‌آوری و تخصص پیچیده، از دیگر موانع جدی است که باعث شده حضور هر چند اندک بخش خصوصی به جای تولید فولاد خام، بیشتر به واحدهای تولید نورد و مقاطع اختصاص یابد.

صنعت فولاد چه در اوایل دهه ۱۹۹۰

که به رکودی عمیق فرو رفت و چه از

۱۹۹۴ تا ۲۰۰۰ که با خروج اقتصاد جهانی از

رکود، مصرف جهانی رو به فزونی گرفت، با

دو پدیده مهم مواجه بود.

بررسی‌های مربوط به میزان حمایت مؤثر از این صنعت در نرخ‌های متفاوت ارز و در شرایط حضور یا نبود قیمت جهانی انرژی و قیمت سایه‌ای عوامل تولید (انجام شده توسط فرزین) نشانگر آن است که نبود راهبرد مشخص به‌ویژه در عرصه سیاست‌های تجاری و اولویت بخشیدن به حمایت از مصرف‌کنندگان با هزینه تولیدکنندگان، سبب شد در ۱۳۷۰ حمایت‌های بازرگانی از این صنعت منفی باشد. از طرف دیگر با تغییر قیمت‌های جهانی و افزایش شدید قیمت داخلی تصویر حمایت در ۱۳۷۵ تغییر یافته و مثبت شده است. اگر چه در نرخ ارز شناور حمایت اسمی بسیار اندک و برابر ۱۵ درصد و حمایت مؤثر نیز بدون احتساب انرژی چندان قابل توجه نیست.

معیار هزینه منابع داخلی با فروض مختلف نشان می‌دهد که تولید فولاد در ایران از مزیت نسبی برخوردار است. وجود منابع غنی انرژی از مهم‌ترین دلایل وجود این مزیت است. مقایسه سهم هزینه سوخت و انرژی در قیمت تمام شده کشورهای مختلف (برزیل ۵۱ درصد، ژاپن ۴۵ درصد، اروپا ۳۹ درصد، یک شرکت دولتی داخلی ۲۴ درصد) نشان می‌دهد که این نهاد در ایران ارزان بوده و می‌توان این صنعت را از طریق عرضه انرژی ارزان مورد حمایت قرار داد. با وجودی که فروش نهاده‌های انرژی به قیمت جهانی احتمال از دست رفتن این مزیت را افزایش می‌دهد، هزینه منابع داخلی اندک این صنعت شرایطی را فراهم می‌کند که در صورت افزایش بهره‌وری، چنانچه قیمت انرژی طی برنامه‌ریزی‌های مشخص زمانی افزایش یابد، این صنعت قادر به حفظ توان رقابتی خود خواهد بود.

طرح‌های توسعه و بحران صنعت فولاد

وجود مزیت نسبی در تولید فولاد موجب شد که طرح افزایش تولید

وارداتی به میزان ۱۳ درصد در نظر گرفته شد، اما این تصمیم با وقفه طولانی در دی ۱۳۸۰ به اجرا درآمد. در پی آن در آبان همان سال نسبت به اخذ تفاوت قیمت از میلگرد، ورق گرم و سرد به ترتیب به میزان ۱۳۰، ۲۰۰، و ۴۰۰ ریال در هر کیلو از کشورهای CIS موافقت شد. همچنین در اسفند ۱۳۸۰ پیشنهاد افزایش مالیات فولاد وارداتی از ۲۵۰ به ۳۵۰ ریال در هر کیلو در قانون بودجه ۱۳۸۱ لحاظ شد، اما به علت وجود فاصله زمانی بین تصویب و اجرای آن، زمینه برای ورود حجم بیشتری از محصولات فولادی مهیا شد. سیاست اخذ عوارض یک اقدام موقتی بود و با توجه به این که کشورهای CIS به همان میزان افزایش عوارض مبادرت به کاهش قیمت‌های خود کردند، و همچنین در صورت افزایش بیشتر عوارض مشکل مصرف داخلی به وجود می‌آمد، بنابراین به‌رغم ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم مبنی بر لزوم اجرای نظام تعرفه‌ای، پیشنهاد سهمیه‌بندی در ۱۳۸۱ مطرح شد.

مقایسه سهم هزینه سوخت و انرژی در قیمت تمام شده کشورهای مختلف برزیل ۵۱ درصد، ژاپن ۴۵ درصد، اروپا ۳۹ درصد، یک شرکت دولتی داخلی ۲۴ درصد نشان می‌دهد که این نهاده در ایران ارزان بوده و می‌توان این صنعت را از طریق عرضه انرژی ارزان مورد حمایت قرار داد.

با توجه به تأثیرپذیری کشور از قیمت جهانی فولاد، افزایش فوق‌العاده قیمت آن در ۱۳۸۱ موجب شد که اتخاذ کلیه تمهیدات محدود کننده واردات در این سال (تأخیر در ثبت سفارش واردات فولاد از آسیای میانه، افزایش سود گمرکی انواع تیر آهن، میلگرد و ورق بین ۶ تا ۱۲ درصد به نرخ ارز ۷۷۰۰ ریال، اخذ تفاوت بهای فولاد وارداتی از کشورهای آسیای میانه و اعمال سهمیه بندی) با فشار برای خرید بیشتر از محصولات تولیدی شرکت‌های داخلی آشکار شود. در چنین شرایطی تفاوت قیمت بازار و مصوب رو به افزایش گذاشت و از این رهگذر عده‌ای دلال به منافع وسیعی دست یافتند، به همین علت به منظور تقویت توان تولید، تعادل عرضه و تقاضا به صورت بازار محصولات فولادی و مشکل تأمین مالی طرح‌های توسعه فولاد، ضمن لغو کلیه تصمیم‌ها در مرداد ۱۳۸۱، تصمیم گرفته شد که قیمت‌گذاری محصولات فولادی از حالت تثبیتی به قیمت‌های حاشیه بازار با مقاطع سه ماهه تعیین شود و درآمدهای حاصل از این اقدام

۴. به علت گسترش دامنه فعالیت‌های صنعتی و رونق بی‌سابقه ساخت و ساز در کشور، مصرف فولاد از ۸۰ کیلوگرم در ۱۳۷۰ به حداقل ۱۲۰ کیلوگرم در ۱۳۸۰ افزایش یافت. برآوردهای بسیار متفاوت از حجم مصرف فولاد (ناشی از نبود آمار مدون در مورد اطلاعات صنعتی کشور) که میزان مصرف پیش‌بینی شده در ۱۳۸۰ توسط سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف را در دامنه‌ای بین ۶/۵ (انجمن تولیدکنندگان فولاد) تا ۱۰ میلیون تن (وزارت بازرگانی) قرار دادند، به همراه تحقق نیافتن پیش‌بینی بهره‌برداری از واحدهای تولید ورق سب، متعلق به ذوب آهن اصفهان، ورق فولاد مبارکه و حجم تولید بسیار ناچیز دو کارخانه تازه راه‌اندازی شده فولاد آذربایجان و خراسان در ۱۳۸۰، موجب ناتوانی در برنامه‌ریزی و اتخاذ تصمیم‌ها و تمهیدات صحیح توسط سیاست‌گذاران در برخورد با حجم واردات مورد نیاز و میزان حمایت از تولید داخل شد.

۵. از جمله عوامل مؤثر در تشدید وضع دشوار صنعت فولاد عبارت‌اند از: تعیین قیمت محصولات فولادی به غیر از تیرآهن بر اساس قیمت‌های حاشیه بازار، وجود محدودیت واردات در ۱۳۷۸ و ۱۳۷۷؛ کاهش سود بازرگانی مقاطع فولادی، حذف مالیات از محصولات نیمه‌ساخته (اسلب، بیلت و بلوم)، کاهش واردات محصولات نیمه‌ساخته تا معادل مالیات و عوارض محصولات داخلی، معافیت از پرداخت مالیات میلگرد، فولاد ساختمانی و ورق وارداتی در اسفند ۱۳۷۸ (به‌رغم مخالفت وزارت امور اقتصادی و دارایی در آغاز ۱۳۷۹ به مصوبه شورای اقتصاد)، نبود پیش‌بینی کافی از شرایط جهانی نظیر کاهش قیمت‌های جهانی فولاد در ۱۳۷۹، رشد تولید کشورهای CIS و هم‌زمان با آن ایجاد محدودیت‌های صادراتی برای این کشورها تمام این موارد از عوامل مؤثر بر بحران موجود در صنعت فولاد بودند.

تمهیدات اتخاذ شده به منظور تحدید بحران

در نیمه دوم ۱۳۷۹ با توجه به آسیب‌پذیری جدی صنعت فولاد، تصمیم‌هایی چون افزایش سود و عوارض بازرگانی فولادهای آلایزی از پنج درصد به ۵۰ درصد و افزایش مالیات فولاد آلایزی و ورق‌های وارداتی به میزان به‌ترتیب ۲۵۰ و ۲۰۰ ریال در هر کیلو اتخاذ شد، اما با ادامه روند واردات ارزان قیمت، شورای اقتصاد ابتدا در اسفند ۱۳۷۹ ضمن ابقای بندهای مصوب سال گذشته با افزایش مالیات بر میلگرد وارداتی از ۸۰ ریال به ۱۵۰ ریال در هر کیلو موافقت کرد و سپس در شهریور ۱۳۸۰ تصمیم گرفته شد که از هر گونه فولاد وارداتی (واردات برای مقاصد فروش و یا غیر از آن) مالیات دریافت شود و وزارت صنایع و معادن ملزم به تدوین و ابلاغ ضوابط فنی مورد عمل برای واردات انواع محصولات فولادی استاندارد به گمرک شد. در مرداد ۱۳۸۰ نرخ مؤثر حقوق گمرکی و سود بازرگانی محصولات فولادی

که قیمت انرژی افزایش یابد با اندکی سرمایه گذاری و افزایش بهره‌وری، و حمایت‌های هدفمند دارای توان رقابتی خواهد شد. اتخاذ تصمیم‌های جدی در جهت افزایش بهره‌وری، برابر کردن شرایط حضور بخش خصوصی و دولتی و اعمال حمایت‌های هدفمند در این صنعت با توجه به این‌که بیش از ۷۹۹ میلیون دلار از اقساط طرح‌های پنج‌گانه توسعه باقی مانده است و بسیاری از طرح‌های توسعه جهت نیل به تولید ۱۴/۷ میلیون تن در دست انجام است، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

بنابراین پیشنهاد می‌شود که این صنعت طبق یک برنامه زمان‌بندی در شرایط رقابتی قرار گرفته و دولت از هرگونه قیمت‌گذاری در این صنعت خودداری کند.

منابع

- فرزین، محمدرضا، بررسی ساختار حمایتی در برخی صنایع ایران (خودرو، قند و فولاد)، دانشگاه علامه طباطبایی، رساله دکتری، ۱۳۷۹-۸۰.
- وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی - ارزیابی اقتصادی پروژه‌های سرمایه‌گذاری در زمینه فولاد، پاییز ۱۳۷۴.
- سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، گزارش بررسی وضع واردات محصولات فولادی از کشور روسیه به ایران، فروردین ۱۳۸۱.
- اسکندری، سعود، تحلیلی بر توسعه صنعت فولاد در بخش خصوصی، نشریه فولاد، شماره ۸۳.
- اسکندری، سعود، صنایع فولاد، بافت قفس، فکر پرش، نشریه فولاد، شماره ۸۲ روزنامه ابرار اقتصادی، ادعای واردات بی‌رویه محصولات فولادی غیر واقعی است، ۱۳۸۱/۳/۲۰.
- روزنامه همپهری، فولاد ایران از دره مرگ به سلامت بیرون آمد، ۱۳۸۰/۱۲/۵.
- حقیقو، حسین، اصلاح تصمیم‌گیری در توسعه صنعت فولاد، ابرار اقتصادی، ۱۳۸۱/۴/۳۱.
- تبعات ناشی از افزایش قیمت آهن‌آلات، ابرار اقتصادی، ۱۳۸۱/۸/۲۵.
- صمیمی دهکردی، سیامک، در آزادی واردات فولاد از آمریکا هم جلو زده‌ایم، جهان اقتصاد، ۱۳۸۱/۲/۱۸.
- روزنامه آسیا، بیابانه انجمن تولیدکنندگان فولاد، ۱۳۸۱/۱/۲۱.
- روزنامه نوروز، نرخ مؤثر تعرفه واردات فولاد از بک درصد به ده درصد افزایش یافت، ۱۳۸۰/۵/۲۲.
- مؤذن‌زاده، مصطفی، صنعت فولاد، وضع کنونی، راه آینده، فراز، سال ششم، زمستان ۱۳۸۰.
- توحیدی، ناصر، خدایاری، محمد صادق و تکتاز، نجف، الگوی پیش‌بینی تولید آهن و فولاد ایران، مجله شریف، شماره نوزدهم.

صرف باز پرداخت تسهیلات دریافتی و اجرای طرح‌های نیمه‌تمام در بخش فولاد شود. همچنین نرخ تعرفه به نحوی تعیین شود که ضمن ضربه نزدن به تولید داخلی، منافع مصرف‌کنندگان را نیز تأمین کند.

در حال حاضر با شرایط رو به بهبود قیمت جهانی فولاد، حمایت مالی دولت در جهت تقبل بازپرداخت تفاوت نرخ ارز ۳ هزار ریال و ۸ هزار ریال مربوط به وام‌های دریافتی، تصمیم‌های اخیر شورای اقتصاد و سیاست‌های بازرگانی کشور داستان بحران فولاد خاتمه یافته است، اما بروز این بحران به منزله زنگ خطر جدی در جهت لزوم تطبیق ساختار داخلی این صنعت با شرایط جهانی است.

پیشنهادها

- نسبت به تقویت و تعمیق بازارهای پولی و نظام‌های اعتباری برای تأمین نقدینگی و نیازهای مالی کارخانه‌های تولیدکننده فولاد اقدام شود. در حال حاضر نبود و یا ضعف چنین نظامی و ضرورت تأمین مواد اولیه که حدود ۶۳ درصد هزینه‌های تولید را در برمی‌گیرد، موجب پیش فروش محصولات و تحویل آن‌ها با وقفه‌های زمانی ۲/۵ الی ۵ ماه شده است.
- اطلاعات مربوط به شرایط جهانی فولاد بهینه و به روز شود و بررسی‌های بازاری صنعت فولاد از قبیل روند واردات، قیمت وارداتی، روند ثبت سفارش، میزان محصول اثبات شده در انبارها و روند قیمت‌های بازار در داخل کشور به منظور افزایش درجه شناخت از بازار به طور مستمر انجام پذیرد.
- کانون‌های مصرف، سازوکار و عوامل مؤثر بر قیمت محصولات فولادی و عوامل توزیع محصولات فولادی به طور دقیق شناسایی شوند.
- ابزارها و امکانات موجود نهاد تأمین‌کننده منافع مصرف‌کنندگان بررسی و شناسایی شود و نسبت به تقویت و کانالیزه کردن نهاد مذکور اقدام شود.
- سیاست‌ها، ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط به واردات فولاد، مقدار، کیفیت و استانداردهای واردات تدوین و اجرا شوند.
- موانع غیرتعرفه‌ای و سهمیه‌بندی به نرخ‌های تعرفه تبدیل شود.
- پیرامون مقدار، کیفیت و ساختار رقابتی تولید داخلی بررسی جامعی صورت گیرد.
- سیاست‌ها و تمهیدات لازم در جهت برابری شرایط حضور بخش خصوصی و دولتی در این صنعت اتخاذ شود و بخش‌هایی از صنعت فولاد با توجه به ارزش‌داری‌ها و بدهی‌های آن‌ها از طریق برگزاری مزایده به بخش خصوصی واگذار شود.
- این صنعت در نرخ ارز بازار آزاد با نرخ تعرفه ۱۵ درصد قادر به ادامه فعالیت است. در صورتی که کلیه نهاده‌های مورد نیاز صنعت فولاد با نرخ ارز بازار آزاد و به قیمت جهانی تولید شود، تنها در صورت دسترسی به انرژی ارزان قادر به رقابت خواهد بود و حتی در صورتی